

نامه عده‌ای از انصار ایران به سید و

مولایمان سید احمدالحسن علیه السلام



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَتْمَّةِ وَ الْمَهْدِيِّينَ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا

السَّلَامَ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ
الْوَحْيِ وَ مَعْدَنِ الرَّحْمَةِ وَ خَزَانِ الْعِلْمِ

ای سید و سرور ما سلام و درود خداوند بر شما باد

مولانا بأبی أنتم و أمی و نفسی و أهلی و مالی من أراد الله بدأ بكم و من
وحده قبل عنكم

ما تعداد زیادی از انصار ایران این نامه را خدمت شما می نویسیم و از شما
می خواهیم که بر ما رحم آورید و با رسیدگی به وضع انصار خود در ایران
ما را مورد شفقت خود قرار دهید.

فَثَبَّتْنَا اللّٰهَ أَبَدًا مَا حَيَّيْنَا عَلَى مَوَالِيكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ وَ وَقَّفْنَا لَطَاعَتِكُمْ
وَ رَزَقْنَا شَفَاعَتِكُمْ وَ جَعَلْنَا مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَ جَعَلْنَا
مِمَّنْ يَقْتَضِ آثَارَكُمْ وَ يَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْتَدِي بِهَدَاكُمْ وَ يَحْشُرُ- فِي زِمْرَتِكُمْ وَ
يَكُرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يَشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يَمْكُنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَ
تَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَتِكُمْ.



برای توسعه‌ی دعوت مبارک، انصار امام مهدی(ع) در ایران مشکلاتی وجود دارد که بعد از مراجعات به مکتب شریف لاینحل مانده و جز با دست شما گره‌های آن باز نخواهد شد. مشکلاتی که باعث شده پیشرفت دعوت دچار مشکل شده و انصار دچار سردرگمی شده‌اند، همه‌ی مشکلات در این یک جمله خلاصه شده است:

هیچ برنامه و مدیریت صحیحی برای امور دعوت در ایران وجود ندارد.

بعضی از این مشکلات در حالت کلی از قرار زیر هستند:

۱- بعضی از ممثلان، انصار فعال در دعوت را به عنوان دشمنان خود فرض می‌کنند و به این دلیل که نمی‌توانند با سرعت آنان حرکت کنند، آنان را از حرکت باز می‌دارند. مثلاً به انصار فعال تهمت‌هایی می‌زنند و این تهمت‌های کذب را در میان سایر انصار تبلیغ می‌کنند.

۲- بعضی از ممثلان، با حرکت‌هایی که موجب گسترش دعوت حق در ایران می‌شود به هر نحو ممکن، تصریحاً یا تلویحاً مخالفت می‌کنند و مانع حرکت‌هایی می‌شوند که می‌تواند دعوت را به نحو مؤثری حرکت دهد.

۳- بعضی از ممثلان با انواع روش‌های ممکن، موجب بدبینی نظام و حکومت ایران به انصار می‌شوند، انصار را به حرکت‌های زیرزمینی و مخفی که موجب سوء ظن حکومت ایران می‌شود، تشویق می‌کنند و از طرف مقابل انصار را با روش‌های مختلف نسبت به حکومت بدبین می‌کنند. و این سوء ظن متقابل را به صورت یک آتش برای وجود خصومت بین انصار و حکومت همیشه روشن نگاه می‌دارند. لازم به ذکر است که لایه‌هایی از حکومت ایران در وزارت اطلاعات نیز هستند که منافع آنها نیز در گرو



روشن نگاه داشتن این آتش است و به تحلیل ما این لایه‌های داخلی وزارت اطلاعات تحت نفوذ صهیونیسم بین الملل هستند و بعضی برادران ممثل که دائماً بر این آتش می‌دمند عملاً به نفوذی‌های صهیونیسم خدمت می‌رسانند.

۴- گروهی از ممثلان مکتب شریف و خادمان در ایران این فکر را منتشر می‌کنند که: «از صدر تا ذیل همه چیز باید انتصابی باشد و نقش شورا فقط در این حد هست که منصیبین، افراد معدودی را بدون اطلاع انصار در شورا منصوب می‌کنند و آنها هم فقط مشورت می‌دهند و هیچ قدرت مؤثری ندارند.» هرکس به این طرز تفکر اعتراض کند و یا حتی اگر به یک تصمیم جزئی اعتراض کند، طرد می‌شود. اگر مسئولیتی داشته باشد از او گرفته می‌شود و کم‌کم این شخص در هیچ جلسه‌ی مؤثری راه داده نمی‌شود و... اگر طرحی بدهد به او می‌گویند: حرفت را زدی؟ لازم نیست ما حتماً حرف تو را اجرا کنیم. تبعیت کن و تسلیم باش که تو داری به وسیله‌ی ما امتحان می‌شوی همان طور که اگر امام به کسی دستوری داد که در نزدش غیرمعقول است، باید تبعیت کند و همان طور که اگر امام نخواست به مشورت دیگران عمل کند مختار است!!!

آقای ما! این برادران خودشان را با شما مقایسه می‌کنند و منتقدان از خود را معترضان به حاکمیت الله می‌دانند.

همچنین این افراد با مکتب شریف در ارتباط هستند و مسائل را واژگونه برای مکتب ترسیم می‌کنند.

در ادامه نمونه‌هایی از موارد شکایتمان را می‌آوریم:



الف) ایجاد مانع بر سر راه گسترش دعوت:

۱- قصه مؤلم و اسف انگیز ممانعت از گسترش دعوت مبارک در تهران

هشت سال پیش که برادر موسوی به ایران آمدند، همراه برادرانی مثل مهندس احمد کهندل و مهندس علیرضا زجاجی و دیگر برادران مشغول انتشار دعوت مبارک در ایران شدند و فتح و ظفر حاصل شد و دعوت مبارک در تهران و دیگر شهرها منتشر شد،

برادر محمد زمانی آشکارا از این فتح و ظفر ناراحت شدند و بدون هیچ دلیل موجهی به مقابله با این برادران پرداختند!

در حالی که برادر محمد زمانی نتوانسته بود در شهر بزرگی مثل تهران حتی یک نفر را وارد دعوت کند و در طی شش سال فقط شش نفر بودند یعنی خودش و پنج نفر از خانواده‌اش، اما با شروع فعالیت این برادران تعداد انصار در تهران به پانصد نفر رسید، ولی برادر زمانی به مقابله با آنها پرداخت و علیه آنها به شیخ علاء السالم گزارش داد به نحوی که مجبور شدند فعالیت‌های خود را در تهران متوقف کنند و اگر متوقف نکرده بودند الآن هزاران نفر در تهران وارد دعوت شده بودند.

برادر زمانی حتی پیشنهاد کمک برای برنامه‌ریزی برای ساماندهی و تنظیم و تعلیم این پانصد نفر را نیز رد کردند و همه به حال خود رها شدند به نحوی که امروز با تعداد بسیار کمی از این افراد در ارتباط هستند.



سید و سرور ما آیا بدتر و سنگین‌تر از این می‌شد به گسترش دعوت مبارک در تهران ضربه زد؟؟؟ بعداً در دیگر شهرها نیز همین روش را پیش گرفتند و عملی کردند.

۲- قصه اسفبار سایت رسمی فارسی دعوت مبارک

برنامه سایت فارسی و وضعیت اسفانگیز آن نمونه‌ی دیگری از کارشکنی این افراد و ایجاد سد و مانع برای فعالیت انصار و ایجاد سد و مانع در مقابل پیشرفت دعوت مبارک در ایران می‌باشد!

در سال ۲۰۱۲ به دلیل نقصان زیادی که در سایت دعوت به زبان فارسی وجود داشت، برادر زجاجی و برادر کهندل که در آن زمان در ترکیه بودند با کمک هم سایتی برای دعوت راه انداختند که باعث توسعه‌ی دعوت در ایران شد و روزانه تعداد زیادی بازدید از این سایت صورت می‌گرفت. این سایت تا سال ۲۰۱۳ فعال بود و در این سال بدگویی‌های برادر زمانی نزد شیخ علاء السالم باعث شد که شیخ علاء السالم دستور دهد که این سایت تعطیل گردد. بهانه‌ی برادر زمانی برای این بدگویی مقاله‌ای در این سایت در مورد خراسانی بود که برادر زجاجی به شیخ علاء عرض کرد که اگر اجازه دهید همین مقاله را اصلاح کنیم یا آن را از سایت برداریم ولی ایشان دستور به تعطیلی سایت دادند، در حالی که سایت رسمی دعوت در آن زمان به زبان فارسی بسیار فشرده و از هم گسیخته بود.

برادر زجاجی پس از تعطیلی سایت بسیار شکایت به برادر زمانی بردند تا ترتیبی دهد که لااقل اجازه دهند سایت رسمی دعوت را اصلاح کنند چون خیلی سطح پائین و تقریباً غیر قابل استفاده بود. بعد از چند سال برادر



زمانی به ایشان گفت که پیشنهادت برای سایت را مکتوب کن. ایشان پیشنهاد خود را در حدود ۵۰ صفحه نوشت و به برادر زمانی داد. ایشان فرمود حالا خلاصه‌ای از این به عربی بنویس تا برای مکتب ارسال شود. برادر زجاجی خلاصه‌ای از این پیشنهاد را در سه صفحه نوشت و به برادر زمانی داد تا به مکتب بدهد. ولی مدتی گذشت و هیچ خبری نشد.

پس از چند ماه در سال ۲۰۱۶ برادر زجاجی در ایام اربعین به مکتب و نزد شیخ ناظم العقیلی حفظه الله رفت.

برادر زجاجی متن پیشنهاد را به شیخ ناظم (حفظه الله) داد. ایشان گفت: بعد از اربعین این پیشنهاد را به ایمیل من بفرست، و ایشان این کار را کرد. خلاصه بعد از مدتی که این گزارش را فرستاد برادر زمانی از جانب مکتب مأمور شد که با برادر عیسی مزرعاوی هماهنگ کند و اختیار تغییر سایت موجود به برادر زجاجی داده شود.

اما مدتی بعد از تحویل سایت به برادر زجاجی سرور مربوط به سایت رسمی دعوت به زبان فارسی را تعطیل کردند تا برادر زجاجی نتواند کاری کند و نه تنها ایشانامکان هیچ تغییری نداشت بلکه اصلاً سایت رسمی به مدت زیادی حدود ۶ ماه بسته شده و تعطیل بود و کسی حتی امکان دسترسی به همان سایت را هم نداشت.

پس از شش ماه به این بهانه که برادر زجاجی نتوانست هیچ کاری بکند، اختیار سایت را مجدداً راه انداختند ولی دیگر به ایشان اجازه‌ی دسترسی و تغییر و اصلاح سایت را ندادند!!! و به وضوح نشان دادند که اگر اختیار



امور سایت دعوت مبارک و احتمالاً سایر امور دعوت نیز در دست ایشان نباشد، آنها آن را تعطیل می‌کنند!!!

سید و سرور ما آیا حتی اگر دشمن میخواست مانع ایجاد یک سایت آبرومند و با کیفیت برای دعوت بشود میتواندست بدتر از این عمل کند؟

۳- قصه غم‌انگیز برنامه‌ی فارسی کانال المنقذ

از پنج شش سال پیش شنیدیم که بنا است بخش فارسی کانال المنقذ راه اندازی شود و خیلی خوشحال شدیم،

در حالی که در استکهلم و در بین انصار افراد توانائی برای تولید برنامه تلویزیونی وجود دارد و می‌توانستند برنامه‌های با کیفیت و جذابی برای معرفی دعوت مبارک به مردم ایران تهیه کنند.

اما متأسفانه اینها مسئولیت استکهلم را به ضعیف‌ترین انصار که با اینها دوست است سپردند و حتی علی‌رغم سفارش سید واثق حفظه الله از مشارکت انصار دیگر برای تولید برنامه با کیفیت فارسی ممانعت به عمل آوردند و در نتیجه در حال حاضر سالها است که برنامه‌ای بی‌کیفیت و ملال آور پخش می‌شود و فقط آن دوست ضعیفشان که از سخنرانی برای چند نفر هم عاجز است تک نفره در کانال صحبت می‌کند که کسی رغبت دیدن آن را ندارد و در نتیجه از تولید و پخش یک برنامه‌ی با کیفیت ممانعت به عمل آوردند و شکایت‌ها به مکتب شریف هم هیچ نتیجه‌ای نداشتند است.



سید و سرور ما، آیا ممانعت از تولید و پخش یک برنامه‌ی با کیفیت و متناسب با فرهنگ مردم ایران، در حال که انصار توانا برای این کار وجود دارند، ضربه به دعوت مبارک محسوب نمی‌شود؟؟؟

۴- قصه اسفبار شماره تلفن‌های جمع‌آوری شده از مشتاقان شنیدن دعوت

در راه‌پیمایی اربعین

در راه‌پیمایی اربعین پنج سال پیش در موکب مکتب شریف، ایرانیان شرکت کننده در اربعین تبلیغ شدند و هزار شماره تلفن از مشتاقان شنیدن دعوت مبارک جمع‌آوری شد و سال بعد برادر ابومهدی المنصوری که در موکب فعال بود و فارسی بلد بود به برادر موسوی که میهمان ایشان بود، گفتند که آن هزار شماره تلفن را انصار ایران گم کردند!!! و ابومهدی به برادر موسوی گفت که امسال دوهزار شماره شماره تلفن جمع کردیم بین اینها را هم گم نکنند!!!

برادر موسوی در بازگشت به ایران هرچه این موضوع را پیگیری کرد کسی جوابگو نبود تا نهایتاً از طرف برادر زمانی با جواب عجیبی روبرو شد، ایشان گفتند: «به همه زنگ زدیم، هیچیک از دوهزار نفر جواب ندادند!!!» اما بعداً با افرادی روبرو شدیم که ناراحت بودند و می‌گفتند در موکب شماره تلفن دادیم تا با ما تماس بگیرند اما هرچه منتظر شدیم کسی با ما تماس نگرفت!!!

و سال‌های بعد هم هر سال شماره تلفن‌های بیشتری جمع شد و به همین سرنوشت دچار شد!!!



با این همه شماره تلفن که از مشتاقان شنیدن دعوت جمع آوری شده بود می شد ایران را از خبر دعوت پر کرد.

اما ما مشکوک شده ایم که هر سال چه بر سر این شماره تلفنهای می آید؟؟؟؟ و چه کسی دستور دور ریختن هزاران شماره تلفن با ارزش و مهم را صادر می کند؟؟؟

سید و سرور ما، این سالها از این رفتارهای عجیب و مشکوک به طور مشخص از برادر محمد زمانی زیاد دیده ایم و این امور عجیب و غیر قابل فهم می باشد و برادر محمد زمانی نه تنها به هیچ سوالی پاسخ نمی دهد، بلکه سؤال کننده را سریعاً کنار می زند و طرد می کند،

لذا ما خواهان برپایی یک محکمه در مکتب شریف هستیم تا در آن محکمه به این موارد شدیداً عجیب و مشکوک رسیدگی شود.

۵- ممانعت از فتح و گشایش، در مورد مشکلات امنیتی دعوت مبارک در

ایران

در سال ۲۰۱۶ برادر موسوی زندانی بودند و در تمام مدت سعی داشت که در بازجوئی های طولانی به نیروهای امنیتی بفهماند که دعوت مبارک دشمن جمهوری اسلامی نبوده و به دنبال سرنگونی نظام در ایران نیست و مبارزه ای هم با حکومت ایران ندارد، و در این رابطه بیش از دویست صفحه در حد یک کتاب دلیل و برهان نوشت و تا حدود زیادی موفق شد در طول پنج ماه بازجوئی های سخت و سنگین آنها را متقاعد کند که دعوت مبارک دشمن نظام نیست.



آنها می گفتند اگر علیه نظام سوء نیت ندارید، پس چرا این همه مخفی کاری می کنید؟

برادر موسوی گفتند: چون شما دستگیر می کنید، انصار می ترسند، این وضعیت نه برای انصار خوب است و نه برای نظام، و پیشنهاد کرد که انصار علیه نظام حرف نزنند و آنها هم انصار زندانی را آزاد کنند و دیگر دستگیر نکنند و به انصار اجازه دهند تا حسینیه داشته باشند تا بدون مخفی کاری فعالیت کنند.

آنها این پیشنهاد را پذیرفتند و برادر موسوی را آزاد کردند تا تحقق این امور را پیگیری کند و وعده‌ی کمک دادند به شرط این که با مکتب صحبت شود و مکتب شریف انصاری را که علیه حکومت ایران صحبت می کند، محدود کند.

ایشان پس از آزادی از زندان به برادر زمانی مراجعه کرد و در حضور برادر زجاجی از او درخواست کرد که خبر این فتح را به مکتب گزارش کند و این مسایل را برای مکتب بنویسد، اما برادر زمانی با شنیدن خبر این فتح نه تنها خوشحال نشد بلکه چهره اش درهم ریخت و نشان داد که ناراحت شده و سعی کرد آن را بی ارزش و بی اهمیت جلوه دهد!!!

تا زمانی که خود آقای موسوی به مکتب رفت و مسایل را توضیح داد. اما متوجه شدند که برادر زمانی این فتح را به صورت سلبی و منفی به مکتب گزارش داده و چنین نوشته که آقای موسوی خود را نماینده‌ی مکتب خوانده و به نمایندگی از طرف مکتب با حکومت ایران مذاکره کرده است!!!!. و در عمل نیز با پخش سخنانی‌های تحریک آمیز شیخ عباس



فتوحی از کانال‌های زیر نظر وارثین ملکوت، که در آن سخنرانی‌ها از کلماتی مثل ولی امر مسلمین جهان یزید یعنی خامنه‌ای، استفاده می‌شد عملاً این طرح و این فتح را خنثی و بی‌نتیجه کردند!!!

در ادامه بعضی از ممثلان با انواع روش‌های ممکن، انصار را بر علیه نظام جمهوری اسلامی تحریک می‌کنند و با دشمن و باطل و طاغوت خواندن آن موجب بدبینی نظام و حکومت ایران به انصار می‌شوند، انصار را به مخفی کاری و حرکت‌های زیرزمینی و مخفی تشویق می‌کنند که این رفتار موجب سوء ظن حکومت ایران می‌شود، و از طرف مقابل انصار را با روش‌های مختلف نسبت به حکومت بدبین می‌کنند. و این سوء ظن متقابل را به صورت یک آتش برای وجود خصومت بین انصار و حکومت همیشه روشن نگاه می‌دارند و مانع حل مشکلات امنیتی می‌شوند.

لازم به ذکر است که لایه‌هایی از حکومت ایران در وزارت اطلاعات نیز هستند که منافع آنها نیز در گرو روشن نگاه داشتن این آتش است و به تحلیل ما این لایه‌های داخلی وزارت اطلاعات تحت نفوذ صهیونیسم بین الملل هستند و بعضی از برادران ممثل که دائماً بر این آتش می‌دمند عملاً به نفوذی‌های صهیونیسم خدمت می‌رسانند و با این روش‌ها تاکنون مانع از حل مشکلات امنیتی شده‌اند و این در حالی است که راه‌های مختلفی برای حل این مشکلات وجود دارد.



۶- ممانعت از تألیف قلوب و جمع شدن و شور و مشورت انصار با

تخریب و بستن شورا

برادر موسوی و برادر کهندل برای گزارش و حل این مشکلات به مکتب شریف رفتند، و شیوخ محترم مکتب شریف در جلسات رسمی این گزارشات را شنیدند و به برادر موسوی و برادر کهندل گفتند شما حق دارید، و برای حل این معضلات و کنار گذاشتن تصمیمات منفی و اقدامات فردی گزارش شده تصمیم گرفتند که انصار فعال ایران در یک گروه مشاوره جمع شوند و تحت نظر مکتب شریف و با حضور شیوخ مکتب برای حل و فصل مشکلات و پیشبرد دعوت مبارک در ایران با هم همفکری و مشاوره کنند.

در آن جا بود که مکتب شریف از ممثلین مکتب خواستند که شورای منتخب انصار ایران را راه اندازی کنند.

مکتب شریف به این دو برادر مأموریت داد که در بازگشت به ایران با همکاری ممثلین، شورای انصار ایران را راه اندازی کنند. ایشان هم در بازگشت شورای منتخب انصار ایران را به عنوان یک گروه در تلگرام راه اندازی کردند و از خادمان و ممثلان نیز دعوت کردند که در آن شورا حضور یابند.

شیخ حبیب السعیدی (حفظه الله) نیز به عنوان نماینده‌ی مکتب در شورا تعیین شد و برادر موسوی به طور مرتب خلاصه‌ی نتایج شورا را برای شیخ حبیب سعیدی به عربی ترجمه می‌کرد و به صورت فایل صوتی در شورا قرار می‌داد.



قرار بر این بود که شورا مشکلات دعوت در ایران را بررسی کند و راهکار ارائه دهد و این راهکارها در صورت تأیید مکتب شریف جهت اجرا به ممثلان و خادمان ابلاغ شود.

اما وقتی برادر امیر زجاجی از برادر محمد زمانی خواست که انصار تهران را هم وارد شورا کند ایشان مخالفت کرد و گفت این شورا را جدی نگیر!!! شورا فقط برای مشغول کردن اینها درست شده است!!!

و متأسفانه پس از مدتی که بیشتر انصار فعال در یک گروه جمع شده بودند و با شور و مشورت برای حل مشکلات کار می‌کردند، شورا با کارشکنی ممثلان مواجه شد و آنان در مذاکرات شورا شرکت نکرده و سکوت مطلق کردند و نهایتاً با اقدامی کودتا مانند، بدون اطلاع اعضاء و بدون هیچ دلیل موجهی اعضای شورا را اخراج و شورا را تعطیل کردند.

سید و سرور ما اینها چند نمونه بود از کارشکنی و ایجاد سد و مانع در مسیر نشر و پیشرفت دعوت از طرف برخی از مسئولان و ممثلان که در رأس آنها برادر محمد زمانی قرار دارد.

اینها با کمال تأسف نه تنها دعوت را پیش نمی‌برند بلکه با حرکت‌هایی که موجب گسترش دعوت حق در ایران می‌شود به هر نحو ممکن، تصریحاً یا تلویحاً مخالفت می‌کنند و مانع حرکت‌هایی می‌شوند که می‌تواند دعوت را به نحو مؤثری حرکت دهد.

اینها با کار جمعی و مشورت و همفکری که شما آن را توصیه فرموده‌اید، مشکل دارند و مخالف آن هستند و این فکر را منتشر می‌کنند که: «از صدر تا ذیل همه چیز باید انتصابی باشد و مفهوم شورا برای آنها فقط در



این حد هست که منصّبین، افراد معدودی از دوستان خود را حتی بدون اطلاع انصار گزینش می‌کنند و آنها هم فقط مشورت می‌دهند و هیچ قدرت مؤثری ندارند.» و هرکس هم به این سیستم اعتراض کند و یا حتی اگر به یک تصمیم جزئی اعتراض کند، طرد و کنار گذاشته می‌شود. اگر مسئولیتی داشته باشد از او گرفته می‌شود و کم کم این شخص در هیچ جلسه‌ی مؤثری راه داده نمی‌شود و... اگر طرحی بدهد به او می‌گویند: حرفت را زدی؟ لازم نیست ما حتما حرف تو را اجرا کنیم. تبعیت کن و تسلیم باش!!! که تو داری به وسیله‌ی ما امتحان می‌شوی همان طور که اگر امام به کسی دستوری داد که در نزدش غیرمعقول است، باید تبعیت کند و همان طور که اگر امام نخواست به مشورت دیگران عمل کند مختار است!!! و به این شکل عملاً خادم و به طور مشخص برادر محمد زمانی تبدیل به سلطان شده اند!!!

آقای ما! این برادران خودشان را با شما مقایسه می‌کنند و منتقدان از خود را معترضان به حاکمیت الله می‌دانند.

۷- مشکلات زیاد در مؤسسه وارثین ملکوت

اکثر انصاری که با مؤسسه وارثین ملکوت کار می‌کنند از فضای بسته و دیکتاتورمنش در آن خسته شده‌اند و تعدادی نیز کنار کشیده‌اند، علاوه بر این که فعالیت تمام انصار را که نمی‌خواهند با فضای بسته مؤسسه کار کنند غیر رسمی اعلام کرده‌اند و در درون مؤسسه نیز اکثر طرح‌ها و پیشنهادات مؤثر کنار گذاشته می‌شود و همین طور افراد مدیر و توانا نیز کنار زده می‌-



شوند، یکی از مسئولان مؤسسه وارثین ملکوت اینچنین از مشکلات گزارش می‌دهد:

اساسی‌ترین مشکل در مؤسسه وارثین ملکوت، انحصار قدرت است، به نحوی که تعداد تصمیم‌گیران موسسه از تعداد انگشتان یک دست فراتر نمی‌رود و ده‌ها مسئول دیگر صرفاً مجری این تصمیمات‌اند و نمی‌توانند استقلال رای داشته باشند.

این تصمیم‌گیران محدود با دقت زیاد میزان تبعیت و تسلیم بودن افراد را رصد می‌کنند و مدام افراد تابع‌تر را بالاتر می‌برند و افراد مستقل‌تر را به پایین می‌فرستند. گویی هیچ ملاک دیگری وجود ندارد و گویی تخصص، مدیریت، غیرت، هوش و تحرک ملاک برتری نیستند.

به عبارتی این بزرگواران افراد توانا، مدیر، صاحب نظر و فرمانده صفت را طرد می‌کنند و افراد سربازصفت را جذب می‌کنند و حتی علناً می‌گویند ما مدیر نمی‌خواهیم ما سرباز می‌خواهیم!!!

فضای مجازی در ایران اهمیت زیادی دارد زیرا خفقان عقیدتی باعث شده عمده فعالیت انصار در فضای مجازی باشد اما متأسفانه مکتب شریف به فضای مجازی آن‌طور که باید اهمیت نمی‌دهد...مکتب شریف می‌تواند فراخوان ارسال انتقادات داشته باشد و انتقادهای انصار فعال را از طریقی جمع‌آوری کند که مسئولانی که از آنها انتقاد می‌شود خبردار نشوند.

همچنین شایسته است که اشغال دو مسئولیت توسط یک فرد ممنوع شود چنان که بعضی ممثلان میدانی بعضی سمت‌های بزرگ مجازی را اشغال کرده‌اند مثلاً گمان می‌کنیم آقای محمد زمانی علاوه بر مسوولیت پایتخت و



چند شهر دیگر مسئول اجرایی موسسه هم باشد که یکی از اصلی‌ترین مسئولیت‌های مجازی است. (پایان گزارش مزبور)

به این شکل عملاً فضای مجازی را کد مانده و فعالیت‌های موجود نیز بی‌ثمر و بی‌نتیجه می‌باشد و عملاً برادر محمد زمانی توانسته هر دو فضای میدانی و مجازی را را کد کرده و از نفس بیاندازد.

۸- داستان تعامل شیخ علی‌اکبر دوستعلی با مرکز مدویت حوزه‌ی علمیه‌ی

قم

در سال ۲۰۱۹ برادر دوستعلی از انصار روحانی قم از طرف دادگاه ویژه‌ی روحانیت ایران محکوم شد که شش ماه در مرکز مهدویت قم به مشاوره و تحقیق بپردازد. ایشان در مذاکره با مسئولان این مرکز، بر اساس پیشنهاد آنها طرحی را ارائه نمود که دارای موارد مطلوبی برای دعوت بود:

اول: خارج کردن امور دعوت از امنیتی به علمی و اعتقادی .

دوم: آزاد سازی زندانیان انصار که صرفاً بحث اعتقادی سبب بازداشت آنها در زندان شده است.

سوم: قرار دادن هیأتی برای تقریب میان دعوت و نظام.

و البته ایشان نامه‌ی مکتب در تبیین مواجهه دعوت مقدس با نظام ایران را عیناً پیوست کرد.

مرکز تخصصی این طرح را قبول و استقبال نمودند لکن بعض مسئولین منصوب در قم که در ابتدا با ایشان مساعدت نموده بودند و ایشان کاملاً با اطلاع این عزیزان وارد این مذاکرت شده بودند ، وقتی کار به سرانجام



نزدیک می‌شد علنا در جلسه ای به ایشان گفتند که با این کار مخالفند مگر آنکه فرد خاص دیگری متکفل این امر شود در حالیکه افراد مذاکره کننده آن فرد خاص را برای این امر نمی‌پذیرفتند و علی رغم اصرار برادر دوستعلی به ارسال مطالب به مکتب معلوم نیست مطالب ارسال شده یا خیر و یا چگونه ارسال شده است.

برادر دوست علی برای آنکه این فضای اختلاف دامن زده نشود و طرف‌های مذاکره کننده متوجه اختلاف نشوند کلاً سکوت نمود.

سر انجام این امر مهم که می‌توانست سرآغاز یک حرکت بزرگ شود، ناقص و ابتر شد و البته حتماً طرف‌های مذاکره کننده به این اختلاف پی برده‌اند.

۹- داستان سخنرانی‌ها در گروه مهدویت

اخیراً سخنرانی‌ها و کنفرانس‌هایی از طرف برادران پورآذر و موسوی و کهندل و دوستعلی در گروه مهدویت دکتر خزعلی از روشنفکران مذهبی ایران شروع شد که به نوبه‌ی خود فتحی برای تبلیغ علنی محسوب می‌شود ولی این امر به شدت با منع مسئولین روبرو شد که برادر پورآذر صحبت‌هایش را قطع کرد ولی دیگر برادران گفتند دستور شما برخلاف نص سید ع می‌باشد که فرمودند هیچ قیدی برای تبلیغ وجود ندارد و سخنرانی‌ها را ادامه دادند که با استقبال پنج هزار نفر عضو این گروه روبرو شده و در ایران مطرح می‌باشد که خود فتحی محسوب می‌شود که این مسئولان قصد ممانعت از آن را داشتند.



۱۰- تصمیم به افتتاح دفتر رسمی دعوت در قم

اخیراً برادر کهندل در دیداری با مسئولین امنیتی موافقت تلویحی آنها را برای گشودن دفتر علنی در شهر قم کسب کرده است که قطعاً با مخالفت بعضی از ممثلین روبرو خواهد شد، چرا که آنان با هر فتح بزرگی در دعوت مخالفند.

ای سید و مولای ما، در این گفتار ما از مشکلاتی که در ترجمه‌ی کتاب‌ها به خصوص ترجمه‌ی کتاب وهم الإلحاد بر سر راه ایجاد کردند و با کمک شما حل شد، می‌گذریم.

ب) دروغ‌گویی آشکار به مکتب شریف و انصار

همچنین این افراد که با مکتب شریف در ارتباط هستند بارها دیدیم که مسائل را به مکتب شریف واژگونه گزارش می‌کنند و همین طور به انصار آشکارا دروغ می‌گویند. به عنوان مثال چند نمونه را ذیلاً به عرض می‌رسانیم:

۱- در بالا ذکر شد که برادر موسوی در زندان و طی پنج ماه بازجوئی‌های سنگین در سلول‌های انفرادی، نیروهای امنیتی را قانع کرد که انصار برای نظام خطر نیستند و قرار شد انصار علیه نظام حرف نزنند و آنها هم انصار زندانی را آزاد کنند و انصار علنی فعالیت کنند، اما برادر زمانی به مکتب گزارش دروغ داد که برادر موسوی خودسرانه از طرف مکتب با نظام مذاکره می‌کند، و به این شکل این فتح را عقیم گذاشت!



۲- در سال ۲۰۱۳ برادر موسوی و برادر کهندل از طرف شیخ علاء سالم مأمور شدند که دفتری را برای توسعه‌ی دعوت در شهر قم تأسیس کنند و برای آن مجوز بگیرند. برادر کهندل اظهار داشت که من برای یک مؤسسه‌ی انتشاراتی مجوز دارم و می‌توانیم از همان مجوز برای تأسیس دفتر استفاده کنیم و شیخ علاء آن را تأیید کرد. و به دنبال آن برادران موسوی و کهندل دفتری را در شهر قم تأسیس کردند، ولی برادر زمانی به عنوان ممثل مکتب در تهران در میان انصار علیه آنها حرف زد و چنین القا کرد که آنان بدون اذن اقدام به تأسیس مکتب نموده‌اند.

۳- در سال ۲۰۱۳ با دستور شما توسط شیخ علاء سالم برادران موسوی و کهندل نامه‌ای به سید علی خامنه‌ای نوشتند و ضمن اعلام دعوت، از ایشان خواستند که یک پادگان آموزشی در اختیار انصار قرار دهند. آنان حتی متن نامه را توسط شیخ علاء سالم به تأیید شما رساندند و سپس نامه را ارسال نمودند. اما برادران ممثل از جمله برادر زمانی در میان انصار چنین القا کردند که آنان سر خود این نامه را نوشته و ارسال کرده‌اند و کلا سعی در تخریب شدید آنها و کنار گذاشتن آنها از دعوت مبارک دارد، به طوری که بارها به انصار هشدار دادند که از موسوی و کهندل فاصله بگیرید چون به زودی مکتب شریف حکم ارتداد آنها را صادر خواهد کرد و به انصار سوئد گفتند: موسوی شیطان است و از او کناره‌گیری کنید.

۴- در سال ۲۰۱۴ برادر کهندل به امر برادر محمد زمانی برای تبلیغ به شهر شیراز رفت و هیچ محدودیتی برای ایشان در تبلیغ مشخص نشده بود. ایشان در شهر شیراز به حوزه‌ی علمیه رفت و در حوزه تبلیغ نمود و فردای آن روز توسط حکومت ایران دستگیر شد. اما متأسفانه برادر زمانی در میان



انصار چنین القا نمود که برادر کهندل از حضور در حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز منع شده بود و او با این کار تخلف و خودسری کرده و حقش این است که زندانی شود.

۵- برادران انصار تهران دفعات مختلف از برادر محمد زمانی مطالبی شنیدند که به مرور زمان برای آنان مسجل شد که ایشان دروغ گفته‌اند!!! آن هم در امور مهم!!!!.

۶- در هنگامی که برادر موسوی دستگیر و زندانی شدند، طبعاً ارتباط ایشان با شیخ علاء السالم که به ایشان مأموریت داده بودند قطع شد. برادر موسوی پس از آزادی مشاهده کرد که شیخ علاء السالم از ایران رفته است. پس نزد برادر محمد زمانی رفت و از ایشان خواست که ارتباطش را با شیخ علاء یا یکی از اعضای مکتب برقرار کند، اما ایشان گفت که من ارتباطی با شیخ علاء یا مکتب ندارم و حاضر به کمک و برقراری ارتباط نشد!!!.

مدتی گذشت تا برادر موسوی مشکل ممنوع الخروجی خود را رفع کند. ایشان به مکتب رفت و با شیخ علاء السالم ملاقات کرد.

شیخ علاء گفته بود ما به دنبال شما می‌گشتیم تا بگوییم سید ع از آزادی شما خیلی خوشحال شده است ولی شما را پیدا نمی‌کردیم!!! (طبعاً شیخ علاء السالم از برادر زمانی سراغ برادر موسوی را می‌گرفته)

شیخ علاء السالم گفتند: حتی شیخ حازم را برای پیدا کردن شما به ایران فرستادم و او با برادر زمانی به دنبال شما گشتند و شما را پیدا نکردند!!!! در حالی که برادر موسوی با برادر زمانی در ارتباط دائم بودند!!!.



در این جا انصار تهران شهادت می‌دهند که شیخ حازم را در آن زمان می‌دیدند که همراه برادر زمانی به مجموعه‌های انصار مراجعه می‌کند و صحبت می‌کند ولی انصار نمی‌دانستند که ایشان به دنبال پیدا کردن برادر موسوی بوده و اگر شیخ حازم این را به آنها گفته بود بسیاری از آنها با آقای موسوی در ارتباط بودند و خود آقای زمانی هم با آقای موسوی در ارتباط بود ولی به شیخ حازم نمی‌گفت.

۷- برادر محمد زمانی و بعضی دیگر از دوستانش از مسئولین، به انصار می‌گفتند که برادر موسوی و برادر کهندل منافق هستند و مکتب شریف به زودی اطلاعیه صادر کرده و ارتداد آنها را اعلام خواهد کرد و لذا از انصار می‌خواستند که از آنها دوری کرده و با آنها ارتباط نداشته باشند! به مکتب هم به دروغ گزارش می‌دادند که موسوی به جای یمانی، خراسانی را تبلیغ می‌کند! اما وقتی برادران موسوی و کهندل به مکتب شریف رفتند با استقبال گرم مکتب شیوخ روبرو شدند و وقتی انتقادات و اشکالات موجود در رابطه با مسئولان را مطرح کردند، شیوخ محترم مکتب فرمودند انتقادات شما صحیح و وارد است!

۸- اگر فقط موارد بالا بود و این کارشکنی‌ها بر سر راه دعوت ادامه پیدا نمی‌کرد اصلا مصدع اوقات شما نمی‌شدیم. اما مشکل این است که سنگ‌اندازی‌های این برادران در راه دعوت همچنان ادامه پیدا کرده است. حدود دو ماه قبل در یک گروه بی‌طرف از انصار امام مهدی ع دعوت شد که به مناظره با مخالفان بپردازند. برادر احمد کهندل با اجازه از خادم شهر قم عهده دار این کار شد و از ابتدا شرط کرد که به عنوان شخصیت حقیقی و نه به نمایندگی از هیچ جایی مناظره کند. او در سه مناظره با



موضوع‌های مختلف طرف مقابل را مبہوت کرد. همچنین برادر پورآذر در همان گروه با همان شرط طرف مقابل را ناچار به اعتراف نمود. پس از شروع این مناظرات بعضی از ممثلان در گزارشی کذب به محضر- مکتب مدعی شدند که برادر کهندل ادعا کرده که اذن مناظره‌ی خاص از مکتب دارد و به نمایندگی از طرف مکتب در حال مناظره است و این چنین بود که مکتب در پاسخ نوشت که برادر کهندل اذن مناظره از طرف مکتب را ندارد و هیچ احدی بدون اذن مکتب حق مناظره به نمایندگی از طرف دعوت را ندارد. اینچنین بود که انصار در این گروه ناچار به ترک مناظرات شخصی شدند. اما برادر کهندل در نامه‌ای واقعیت را به مکتب شریف متذکر شد و مکتب شریف در پاسخ متذکر شد که مناظرات شخصی نیاز به اذن ندارد. البته در نهایت آن گروه بدون مناظره ادامه پیدا کرد و هر شب با یک بحث علمی در مورد مهدویت ادامه یافت و منجر به فتح عظیمی در فضای روشنفکری ایران گردید. برادران ممثل که با این روش زحمت خود را بی‌نتیجه دیدند به انصار که یک پایه‌ی مهم دعوت در آن گروه بودند سفارش کردند که از گروه فوق‌الذکر خارج شوند و دعوت در آن گروه را رها کنند و از آن جا که انصار خود را مقید به اطاعت از ممثلان می‌دیدند اغلب انصار از گروه خارج شدند. البته مباحث علمی در مورد مهدویت از طرف انصار و مخالفان در آن گروه در جریان است و این فتح بحمدالله در حال پیشروی است.

آنان همچنین به دروغ به مکتب گفته بودند که این گروه در دست مخالفان نظام می‌باشد در حالی که دکتر خزعلی از جناح اصلاح طلبان ایران و از روشنفکران مذهبی ایران است.



۹- با گزارش‌های دروغ، از مکتب حکمی گرفته و به دروغ اعلام کردند هرگونه مناظره‌ی شخصی هم ممنوع می‌باشد! و دو تن از انصار را که از اساتید حوزه می‌باشند به نامهای سید پورآذر و شیخ اکبر دوستعلی از حضور در گروه مزبور و مناظره به شدت منع کردند، و حتی برادر دوستعلی را از سخنرانی و کنفرانس نیز به شدت منع کردند! و به خاطر حضور شیخ دوستعلی در همان گروه مناظره و سخنرانی وی در مورد قرائن صحت حدیث وصیت، ایشان را که از سوی مکتب شریف به مدیریت حوزه‌ی مهدویه در ایران منصوب شده بود، از این سمت عزل کردند.

اما وقتی از مکتب شریف با نامه سؤال کردیم جواب دادند که هیچکس حق ندارد کسی را از مناظره‌ی شخصی منع کند!!

۱۰- وقتی از این مسئولان سؤال کردیم که چرا از کنفرانس و سخنرانی منع می‌کنید؟ گفتند: اطلاعات از سخنرانی منع کرده، ولی با کمال تعجب وقتی از اطلاعات پرسیدیم، آنها گفتند از نظر ما منعی ندارد!!!

۱۱- داستان مأموریت یافتن برادران موسوی و کهندل از سوی مکتب شریف برای تشکیل شورا در ایران را متذکر شدیم. اما اکنون فشار برادران ممثل به جایی رسیده که به مکتب شریف نامه نوشته‌اند و از مکتب نص گرفته‌اند که هیچ زمانی مکتب به برادران کهندل و موسوی دستور راه اندازی شورا نداده است و حال آن که انصار می‌دیدند که شیخ حبیب سعیدی (حفظه الله) به عنوان نماینده‌ی مکتب در آن شورا حضور دارد و اکنون در نامه‌ی مکتب آمده است که ایشان اصلاً مأمور به راه اندازی شورا نبوده‌اند.



سید و سرور ما آیا این افراد با این همه دروغ‌گویی صلاحیت دارند که مسئولیتی در دعوت پاک و مقدس قائم آل محمد (ص) به عهده گرفته و انصار را طرد و خسته کرده و مانع پیشرفت دعوت مبارک در سرزمین موعود یعنی ایران شوند؟

ج) دشمنی شخصی با انصار

بعضی برادران ممثل آتش عداوت را در میان انصار روشن می‌کنند. به عنوان نمونه این موارد ذکر می‌شود:

۱- در هنگامی که برادر کهندل در مدت دو سال و اندی در زندان بود، خانواده‌ی وی در عسرت بودند. شیخ علاء السالم مبلغ کمی به اندازه‌ی ۵۰۰ هزار تومان را تعیین کرده بود که توسط خادم شهر قم به دست خانواده‌ی ایشان برساند. اما نه تنها این مبلغ به خانواده‌ی ایشان نرسید بلکه برادر زمانی بعضی انصار دیگر را که می‌خواستند به خانواده‌ی ایشان کمک کنند از کمک باز داشت و حتی یکی از انصار سوئد که سه ماه به خانواده‌ی ایشان کمک کرد، توسط برادر محمد زمانی از ادامه‌ی کمک به خانواده‌ی برادر کهندل منع شد. و همین‌طور وقتی که برادر موسوی در زندان بود شرکتش در سوئد ورشکست شد و خانواده‌اش نتوانستند هزینه خانه را بپردازند و از خانه اخراج شدند و دربدر و آواره شدند و در خانه‌ی دوستان و آشنایان ماندند اما هیچ کمکی از طرف سید رضا حسینی، ممثل سوئد که با برادر محمد زمانی در ارتباط بود، دریافت نکردند بلکه برخوردهای ناشایستی نیز از طرف ایشان با خانواده برادر موسوی شد.



۲- قبلاً گفتیم که ممثلان بارها به انصار هشدار دادند که از موسوی و کهندل فاصله بگیرید چون به زودی مکتب شریف حکم ارتداد آنها را صادر خواهد کرد و به انصار سوئد گفتند: موسوی شیطان است و از او کناره‌گیری کنید.

د) سعی و کوشش بی‌نتیجه برای حل مشکلات با ممثلین

سید و سرور ما در این سالها تلاش فراوان کردیم تا بلکه بتوانیم با این برادران صحبت کرده و مشکلات را حل کنیم، اما این برادران اساساً مثل یک سلطان رفتار کرده و حاضر با نشستن و صحبت کردن با انصار نیستند! مثلاً دو سال تمام برادر موسوی از برادر عیسی مزرعاوی می‌خواست و حتی التماس می‌کرد تا با برادر محمد زمانی بیایند بنشینند مشکلات را حل کنند اما مرتب وعده می‌داد این هفته و هفته آینده اما هیچ وقت نیامد!

برای حل مشکلات و بهتر کردن کارها پیشنهادهای زیادی به برادر محمد زمانی دادیم، اما نپذیرفت و نهایتاً چاره‌ای نماند جز شکایت بردن به مکتب شریف.

ه) مراجعات مکرر به مکتب شریف برای حل مشکل

۱- نامه نگاری با مکتب شریف

بعد از تلاش‌های بی‌نتیجه برای حل مشکل از طریق برادر عیسی مزرعاوی و برادر محمد زمانی، برادر موسوی شروع کرد به نوشتن مشکلات مزکور به



مکتب شریف، و طی چندین نامه در طول دو سال این مشکلات را برای مکتب شریف نوشت و توضیح داد، اما متأسفانه از طرف مکتب شریف هیچ عکس العملی دیده نشد و حتی یک جواب هم به نامه‌هایش داده نشد!

برادر موسوی در آخرین نامه‌اش نوشت که شاید در اثر گزارش‌های منفی زیاد به نامه‌های بنده جواب داده نمی‌شود اجازه دهید بیایم حضوری بنده را محاکمه کنید و حرف‌هایم را بشنوید بعد قضاوت کنید، اما باز هم جوابی دریافت نکرد تا اینکه یک سال بعد شیخ عباس فتحیه در یک سخنرانی بر علیه برادر موسوی گفت که سید واثق حفظه الله به او گفته که دستور داده نامه‌های برادر موسوی را نخوانده پاک کنند!

۲- طرح مشکلات در گروه شبه محکمه القسم الاجتماعي با حضور شیوخ مکتب شریف

بعد از این که برادر موسوی جوابی از مکتب شریف دریافت نکرد حدود یک سال سکوت کرد و در خانه نشست، اما در ادامه با ملاحظه‌ی اینکه امکان گسترش دعوت در ایران موجود می‌باشد و مولایمان از قلة الناصر شکایت می‌کند، با مشورت و همفکری با دیگر برادران از جمله برادر علی ذوالفقاری و برادر مهندس احمد کهندل تصمیم گرفتند مشکلات را با دیگر انصار در میان بگذارند تا به کمک آنها مشکلات را به مکتب شریف رسانده و راه حل پیدا کنند، پس از طرح مشکلات با انصار در فضای مجازی، مکتب شریف عکس العمل نشان داده و در گروهی به اسم «القسم الاجتماعي» برادران مسئول و برادر موسوی و برادر کهندل را جمع کردند تا به مشکلات



طرح شده رسیدگی کنند، در این گروه شیخ حبیب السعیدی و شیخ صادق المحمدی و یکی دیگر از شیوخ مکتب شریف حضور داشتند و هفده نفر از مسئولان از جمله برادر محمد زمانی حضور داشتند که حدود دو ماه طول کشید، در این گروه بیست و یک اتهام نسبتاً سنگین از جمله اتهامات طرح شده در این نامه متوجه ممثلین شد ولی مسئولان غیرغم دستور مکرر شیوخ هیچ جوابی نداشتند که بدهند و سکوت کردند و نهایتاً اعلام کردیم که اگر به این اتهامات پاسخ ندهید به معنی صحت اتهامات و اثبات عدم کفایت و عدم صلاحیت شما خواهد بود، ولی باز جوابی جز سکوت نداشتند! و به این شکل اتهامات ثابت شد.

۳- حضور در مکتب شریف و بررسی حضوری مشکلات

سید و مولای ما بعد از این محکمه در فضای مجازی مکتب شریف از برادران موسوی و کهندل دعوت کرد تا به نجف اشرف مسافرت کرده و راه حلی برای مشکلات پیدا کنند، این برادران در مکتب شریف در چند جلسه رسمی مکتب شریف با حضور سید حمای حفظه الله، شیخ ناظم العقیلی حفظه الله و شیخ حبیب السعیدی حفظه الله، مشکلات را به صورت حضوری مطرح کردند و مکتب شریف حق را به این برادران داد و از آنها پیشنهاد برای راه حل این مشکلات خواست. این برادران پیشنهاد کردند کسی برکنار نشود بلکه شورایی تحت نظر مکتب شریف ایجاد شود و همه‌ی انصار فعال در آن حضور پیدا کنند و با خرد جمعی باهم و برادرانه کارها را پیش ببرند، اما شیخ حبیب حفظه الله با تشکیل شورا مخالفت کرد و فرمود برگردیدید بروید از ممثلین اطاعت کنید! و وقتی از



ایشان پرسیده شد آیا حرف‌های ما را در شورا که به عربی هم ترجمه می‌شد نشنیدید؟ ایشان که به عنوان حَکَم از طرف مکتب در گروه محکمه حضور داشت در کمال تعجب فرمودند نه هیچیک از حرف‌های شما را گوش نکرده‌ام!!! و وقتی پرسیده شد که آیا دیدید که به اتهامات ما که طی آن عدم کفایتشان ثابت شد علیرغم دستور شما هیچ جوابی ندادند و سکوت کردند؟ فرمودند بله هیچ جوابی نداشتند!، و نهایتاً در جلسه رسمی مکتب، تشکیل شورا تصویب شد

۴- عاقبت شورا

پس از تشکیل شورا با حضور سه تن از شیوخ مکتب و با حضور حدود ۲۰۰ نفر از انصار فعال ایران در حالی که شورا قوانین لازم را برای ساماندهی کارها بررسی و تصویب می‌کرد ناگهان این مسئولان در حرکتی کودتاگونه همه را از گروه اخراج کرده و شورا را تعطیل کردند، و برادر موسوی برای پیگیری و حل مشکل به مکتب رفته و با شیوخ صحبت کرد و شیوخ قول دادند مشکل را حل کنند و اعضای شورا را برگردانند به گروه و برادر موسوی برگشت به ایران اما هیچ اتفاقی نیافتاد و تاکنون همین برادران یعنی برادر محمد زمانی و دوستانش که عدم صلاحیت و عدم کفایتشان در محکمه ثابت شد، همچنان مقامشان را حفظ کرده‌اند و وضع دعوت شریف به این حالت اسفبار رسیده است.



۵- برگزاری انتخابات در ایران

سید و مولای ما وقتی در صفحه مبارکتان در فیس‌بوک به انصار ایران بشارت دادید که ممثلین را در شهرهای ایران خود شما مستقیماً انتخاب خواهید کرد و حتی الامکان ممثل هر شهر از همان شهر خواهد بود و دستور دادید که انتخابات برگزار شود، موجی از شادی عموم انصار را در بر گرفت.

بعد از چند ماه انتخاباتی در ایران برگزار شد اما به نحوی زمینه را فراهم کردند که هیچ کس جز همان افراد قبلی انتخاب نشوند و از این جهت تعداد رأی دهندگان در آن انتخابات نسبت به کل انصار رقم پایینی بود. مثلاً اصلاً به عموم انصار اعلام نکردند که هرکس می‌خواهد کاندید شود. مثلاً در تهران کاندیدها برادر زمانی بود(که اصلاً اهل تهران نبود) و دو کاندیدای دیگر برادر خسرو و برادر امیر در واقع دست راست و چپ او بودند و برادر خسرو خودش اعلام کرد که من به برادر زمانی رأی خواهم داد. در روز آخر برادر یحیی را هم به عنوان کاندیدا اعلام کردند و هر کس دیگر از برادران که در ادامه اعلام کرد من هم می‌خواهم کاندید شوم ممانعت کردند. به این ترتیب صحنه را طوری چیدند که فقط خودشان انتخاب شوند و همین طور هم شد و خودشان با تعداد آرای ناجیزی نسبت به کل انصار انتخاب شدند. به این ترتیب در تهران برادر زمانی انتخاب شد که اصلاً اهل تهران نیست و با این برنامه ریزی مانع تحقق وعده‌ی شما به انصار ایران شدند.

برادر موسوی و کهندل برای حل مشکل به مکتب شریف مراجعه کردند. شیخ ناظم العقیلی فرمودند که از تعداد کم شرکت‌کنندگان فهمیدیم



انتخابات درست برگزار نشده است. از ایشان پرسیدیم که آیا این تخلف مهم را برای سید (ع) گزارش کردید؟ ایشان فرمودند: «لا والله خجلنا»!!! و ما خیلی تعجب کردیم چرا که گویا کشتی سوراخ شده و از مسئول مربوطه می‌پرسیم که آیا این عیب خطرناک را به کاپیتان کشتی گزارش کردی؟ و او می‌گوید: نه، خجالت کشیدم! و تا امروز بعد از گذشت چهار سال انتخابات سالم برگزار نشده است و انصار منتظر مانده‌اند.

۶- اوضاع شهر شادگان

برادر علی ذوالفقاری مجدداً به مکتب رفتند و همه این مشکلات را مطرح کردند و مکتب شریف ایشان را به عنوان خادم و ممثل شهرشان تعیین کرد و ایشان در شادگان مشکلات را حل کرد و انصار در حسینیه علنی جمع کرد که شما هم مولای ما یک بار فیلم تجمع آنها را در صفحه مبارکتان پخش کردید، اما همان مسئولان به قدری برادر ذوالفقاری را اذیت کردند که مجبورش کردند استعفا دهد و وضع به شکل اسفبار قبلی برگردد!

در خواست ما از سید و سرور و مولایمان

سید و سرور و مولای ما، بعد از این که در این هشت سال مشکلات از طریق مراجعه به مسئولان و ممثلان حل نشد ما به مکتب شریف مراجعه کردیم و با نامه‌ها و مراجعات متعدد حضوری مشکلات را مطرح کردیم، اما بعد از هشت سال مشکلات هر سال بدتر و بیشتر شده است و همچنان



امور دعوت مبارک در ایران در دستان ناتوان و بی کفایت برادر محمد زمانی قرار دارد که راه را برای هر اصلاحی بسته است.

سید و مولای ما چنانچه خود شما دستور فرمودید که اگر مشکلی از طریق مکتب شریف حل نشد، برای خود من بنویسید و یک بار هم اخیراً برادر موسوی در رؤیای صادقه شما را دیدند که امر فرمودید مشکلات را برای من بنویس، و لذا ما تصمیم گرفتیم مصدع اوقات شما شده و این نامه و این مشکلات را برای شما بنویسیم.

ای سید و مولای ما، ما از این که بعد از بیش از بیست سال تمکین شما حاصل نشده دلمان خون است و همه به شدت ناراحت و محزون هستیم و فکر می‌کنیم که باید عجله کنیم و هر چه زودتر راهی برای حل این مشکلات پیدا کنیم.

سید و مولای ما، ما به این نتیجه رسیده‌ایم که مکتب شریف امور ایران را به دست سید واثق و شیخ حبیب حفظهما الله سپرده است، و این بزرگواران در گروه شورا به حق و رسماً اعلام کردند که ما از کشور شما چیزی نمی‌دانیم شما خودتان باید امور را حل و فصل کنید، و طبعاً بعد از بستن شورا، سید واثق حفظه الله که سالیان دراز است با برادر محمد زمانی آشنا هستند و برادر زمانی مورد اعتماد ایشان است، امور دعوت در ایران را به دست برادر زمانی سپرده‌اند. از نظر ما برادر زمانی فاقد هرگونه قدرت مدیریت می‌باشد و در حالت عادی برای زمین‌گیر کردن دعوت کافی است که مدیریت دعوت در ایران در دستان چنین شخصی قرار گیرد، باید اضافه کنیم که علاوه بر ناتوانی و عدم تخصص ایشان دغدغه‌ی دیگری نیز فکر ما را مشغول کرده است، و آن این که دستگاه‌های امنیتی با وجود این که



کاملاً خبر دارند مسئولیت اصلی دعوت در ایران در دست ایشان است، ایشان را فقط دوبار دستگیر کرده و هر بار فقط دوماه زندان بودند!!! این در حالی است که برارامان موسوی و کهندل و ذوالفقاری و دیگر برادران در حالی که هیچ مسئولیت رسمی نداشتند بارها دستگیر و سال‌ها زندانی شده‌اند!!! و باید اضافه کرد که دستگاه‌های اطلاعاتی از انصار می‌خواهند که بعد از آزادی با آنها در ارتباط و هماهنگ باشند و مکتب مبارک هم با این هماهنگی مخالفتی ندارد.

حال دغدغه‌ی فکری ما این است که برادر محمد زمانی با تأیید مکتب شریف با مسئولان امنیتی در هماهنگی باشد و در صورت مخالفت آنها با طرحی آن را اجرا نکند و شاید همین امر باعث رد شدن خیلی از طرح‌های خوب تبلیغی از طرف ایشان باشد (همان طور که بعضی از مسئولان مؤسسه وارثین ملکوت می‌گویند) و همین طور شاید دلیل از بین رفتن هر ساله‌ی هزاران شماره تلفن گرفته شده در راه‌پیمائی اربعین از مشتاقان ایرانی و عدم تماس با آنها همین امر باشد!

سید و سرور ما، اگر این احتمال صحیح باشد به این معنی خواهد بود که مدیریت دعوت در ایران در کنترل کامل نیروهای امنیتی می‌باشد و این دلیل این همه نابسامانی و رکود و مشکلات در امر دعوت مبارک می‌باشد.

سید و مولای ما، اگر استمرار این وضعیت با اطلاع شما و به دلایل و مصالحی لازم می‌باشد که فعلاً اینچنین باشد، الامر کله الیکم و علینا السمع و الطاعه! ما تسلیم صد در صد اوامر شما هستیم بدون کوچک‌ترین اعتراضی و روح و جسم و جان و مال و خاندان را فدای شما می‌کنیم.



فنحن مولانا مطیع لکم و مفوض امرنا کله إلیکم، و مسلم فیه معکم، و قلبنا لکم مؤمن و رأینا لکم تبع و نصرتنا لکم معدة حتی یحیی الله تعالی دینه بکم و یردکم فی آیامه و یردکم لعدله و یمکنکم فی أرضه

اما ای سید و سرور ما اگر شما از این وضع دعوت مبارک در ایران ناراضی هستید، به عرض شما می‌رسانیم که امروز همه چیز در ایران، این سرزمین موعود برای یاری شما آماده است و اگر یک مدیریت قوی و توانمند دعوت مبارک را در ایران مدیریت کند همه این مشکلات به سرعت و سهولت قابل حل می‌باشد.

ای سید و سرور ما، مشکل اصلی امروز دعوت مبارک در ایران ضعف مدیریت و بلکه عدم وجود مدیریت کلان می‌باشد، و همان طور که خودتان فرمودید کار را به کاردان و پختن نان را به نانوا بسپارید، اگر مدیریت دعوت مبارک در ایران به کاردان سپرده شود مشکلات به سرعت حل شده و سر و سامان خواهد گرفت.

ای سید و مولای ما، امروز در بین انصار در ایران افرادی با توانمندی‌های بالا در مدیریت و دیگر کارها زیاد است اما همه آنها کنار زده شده‌اند.

ای سید و مولای ما، پیشنهاد ما این است که این انصار توانمند از سراسر ایران تحت اشراف و مدیریت مستقیم شما در یک گروه شورایی در فضای مجازی جمع شوند و نقش مکتب شما در ایران را داشته باشند و تحت امر و ارشادات مستقیم و مباشر شما به سرعت مشکلات عدیده‌ی دعوت مبارک را حل و فصل کرده و کارها را پیش ببرند.



ای سید و سالار ما، یکی از مهم‌ترین مشکلات دعوت مهدوی در ایران این است که همان ممثلانی که روال اجرای تصمیمات را بر عهده دارند، گزارش کار خود به مسئولان بالاتر و مکتب را نیز خودشان تهیه می‌کنند. به عبارت دیگر مجریان همان ناظران می‌باشند و اغلب افراد نتیجه‌ی عملکرد خود را خوب می‌بینند و اشکالات موجود در کار خود را مشاهده نمی‌کنند. با راه‌اندازی شورا در واقع امر نظارت می‌تواند به شورا واگذار شود و شورا بر اجرای تصمیمات نظارت کند.

ای سید و سرور ما، امروز در ایران همه چیز برای یاری شما همان طور که در انجیل در مکاشفات یوحنا آمده حصاد آماده است:

ثُمَّ نَظَرْتُ وَإِذَا سَحَابَةٌ بَيْضَاءُ، وَعَلَى السَّحَابَةِ جَالِسٌ شَبُهُ ابْنِ إِنْسَانٍ، لَهُ عَلَى رَأْسِهِ إِكْلِيلٌ مِنْ ذَهَبٍ، وَفِي يَدِهِ مِئْجَلٌ حَادٌّ. وَخَرَجَ مَلَأُكَ آخَرَ مِنْ الْهَيْكَلِ، يَصْرُخُ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ إِلَى الْجَالِسِ عَلَى السَّحَابَةِ: «أَرْسَلُ مِنْجَلَكَ وَأَحْصُدُ، لِأَنَّهُ قَدْ جَاءَتِ السَّاعَةُ لِلْحَصَادِ، إِذْ قَدْ بَيَسَ حَصِيدُ الْأَرْضِ.»

آنگاه همچنان که من می‌نگریستم، ابر سفیدی ظاهر شد و بر آن ابر کسی مانند پسر انسان نشسته بود که تاجی زرین بر سر و داسی تیز در دست داشت. و فرشته‌ی دیگری از معبد بیرون آمد و با صدایی بلند خطاب به آن کس که روی ابر نشسته بود گفت: «داس خود را بردار و درو کن؛ زیرا موسم درو رسیده و محصول زمین کاملاً آماده است.»

بله ای سید و مولای ما، امروز ما در ایران آماده‌ایم تا جان‌های ناچیز خود را فدای شما و دعوت مبارکتان کنیم، فقط دستور فرمائید تا تحت ارشادات مستقیم شما انصار ایران دور هم جمع شده و مشکلات را به سرعت حل



کنند تا به زودی ۱۲ هزار نفر انصار خالص و فداکار شما در خراسان با شعار احمد احمد جمع آیند و تحت ارشادات مستقیم شما همه‌ی مشکلات را حل کرده و آماده‌ی جهاد شوند.

نسأل الله أن يحفظكم ويفرج عنكم ويدفع عنكم كل شر ويشغل عنكم اعداءكم بشغل شاغل لا ينقطع أبداً.

سید حسین موسوی

احمد کهندل

علی اکبر دوستعلی

علیرضا زجاجی

علی ذوالفقاری

علیرضا صالحی